



فهرست مطالب

۲	مقدمات واجب
۲	نظرات در متعلق وجوب
۲	نظر اول:
۲	نظر دوم:
۳	نظر سوم:
۳	نظر چهارم:
۳	بررسی نظرات دوم، سوم و چهارم
۴	الف: نظر دوم و اشکالات آن
۴	اشکال اول:
۴	جواب شهید صدر
۵	نکته:



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمات واجب

بحث دیگری که در مقدمات مطرح شده این است که بر فرض این که بگوییم وجوب مقدمه لازم است و كلما حکم به الشرع حکم به العقل صحیح است، این سؤال مطرح می شود که چه چیزی واجب است؟ البته می شد این بحث بعد از بررسی وجوب مقدمه طرح شود اما در کفایه و کلمات مرحوم شیخ، قبل از بحث وجوب مقدمه مطرح شده است.

نظرات در متعلق وجوب

چهار نظریه وجود دارد در این که چگونه مقدمه واجب است و وجوب به چه امری متعلق شده است.

نظر اول:

نظر مشهور که صاحب کفایه هم قبول کردند این است که وجوب به ذات مقدمه بدون هیچ قید و شرطی در وجوب یا به نحو شرط وجوب یا شرط واجب متعلق شده است مثلاً وقتی کون علی السطح واجب شد، مقدمه آن که بالا رفتن از پله است واجب می شود، یعنی ذات این عمل، همین طور اگر حج واجب شد خود پیمودن این مسیر بدون هیچ قید و شرطی واجب است. البته سه نظر وجود دارد که مقدمه را بما هی و ذات عمل قبول نمی کنند.

نظر دوم:

که نظر صاحب معالم است این است که وجوب مقدمه مشروط به اراده اتیان ذی المقدمه است. آوردن مقدمات مثل وضو و غسل در عبادات یا مثل مسافرت در حج و پیمودن مسیر، بما هو هو و مطلقاً واجب نیست بلکه مشروط است. مثلاً در صورتی که کسی بخواهد کون علی السطح داشته باشد واجب است مقدمه را بجا بیاورد و این مشروط به اراده اتیان ذی المقدمه است و الا اگر کسی نخواهد ذی المقدمه را بجا بیاورد این مقدمه وجود ندارد که غالباً به این نظر جواب داده اند.



نظر سوم:

نظر مرحوم شیخ انصاری است که ایشان می‌فرمایند وجوب مقدمه مشروط نیست به نحو وجوب مشروط، بلکه مقدمه‌ای واجب است که قصد اتیان ذی‌المقدمه را داشته باشد به نحو شرط واجب، یعنی امری مقدمیت دارد که قصد اتیان ذی‌المقدمه را داشته باشد. فرق این نظر با نظر دوم در این است که در نظر مرحوم شیخ، قصد، قید واجب است و در نظر دوم، قصد، قید وجوب است.

نظر چهارم:

که نظر صاحب فصول است و برخی از متأخرین هم آن را پذیرفته‌اند این است که وجوب مقدمه مشروط است به حصول ذی‌المقدمه و تحقق ذی‌المقدمه، یعنی مقدمه‌ای واجب است که دنبال آن ذی‌المقدمه بیاید و کاری به قصد ندارد، در نظر دوم و سوم قصد شخص مؤثر بود و موجب وجوب می‌شد، اما در نظر چهارم، قصد ملاکیت و موضوعیتی ندارد، مهم این است که عمل ذی‌المقدمه بعد از آن بیاید یا نیاید مثلاً اگر سفری که طی می‌کند، حج انجام شد می‌فهمیم این مقدمه واجب بود، اما اگر مانعی شد و یا به دلیلی این کار انجام نشد، معلوم می‌شود که مقدمه واجب نبود، به نحو شرط متأخر می‌شود، آنچه وجوب به آن تعلق گرفته ذات فعل بما هو هو نیست، بلکه فعلی که ذی‌المقدمه بر آن مترتب بشود، مرحوم صاحب فصول اسمش را مقدمه موصله نامیدند، یعنی آنچه شمارا به ذی‌المقدمه می‌رساند و الا اگر عمداً یا به دلایلی مثل طُروء عوامل و مانعی این ذی‌المقدمه انجام نشد، معلوم می‌شود که مقدمه واجب نبوده است. احتمالات دیگری هم قابل طرح است ولی آنچه قائل دارد و در بین اعلام کسانی به آن سمت رفتند این چهار نظریه است.

بررسی نظرات دوم، سوم و چهارم

چون اصل این است که وجوب مقدمه تابع وجوب ذی‌المقدمه است و این هم مطلق است، لذا اصل این است که قید و شرطی اضافه نکنیم و آوردن قید و شرطی به نحو قصد یا تحقق به نحو شرط وجوب یا شرط واجب دلیل می‌خواهد لذا نظر دو، سه و چهار را بررسی می‌کنیم که اگر دلیل داشتند می‌پذیریم والا پذیرفته نمی‌شوند.



الف: نظر دوم و اشکالات آن

متأخرین اشکالاتی را متوجه نظر صاحب معالم کردند.

اشکال اول: از ناحیه محقق عراقی و بزرگان دیگری باشد، این است که قصد اتیان به ذی‌المقدمه اگر بخواهد شرط شود این یک نوع تحصیل حاصل است و مثل این است که فلان چیز بر شما واجب است اگر قصد دارید انجام بدهید، معقول نیست که اراده انجام فعل شرط وجوب عمل شما بشود، برای این که امر برای اراده ساختن آمده است، امر مولا برای این است که داعی در نفس ایجاد بکند و مکلف را مرید انجام این فعل قرار بدهد و گفتن این که این عمل مشروط به انجام این عمل است، مطلب صحیحی نیست و کار لغوی است و مخالف فلسفه امر است، مثل اینکه نماز بر تو واجب است اگر بخواهی نماز بخوانی. این بحث‌ها در واجب نفسی است، در واجب غیری هم این گونه است که واجب غیری هم تبعی از واجب نفسی است، خلاصه جوابی که محقق عراقی و دیگر بزرگان به این نظر دادند این است که مشروط کردن تکلیف به قصد عمل به تکلیف معقول نیست، به خاطر این که امر، به قصد ایجاد داعی به انجام تکلیف است، این مطلب را تقریباً همه قبول کردند.

جواب شهید صدر

تنها کسی که به نحوی این را نپذیرفته است، مرحوم شهید صدر است. مرحوم صدر می‌فرماید محذور عقلی ندارد، تحصیل حاصل هم نیست و در حقیقت می‌فرمایند: در صورتی این مقدمه بر شما واجب است که شما قصد دارید ذی‌المقدمه را از ناحیه سایر قیود و علل و عوامل بیاورید، نه قصد از ناحیه اتیان خود این که دور باشد یا چیز دیگری و الا اگر با قطع نظر این مقدمه و اصلاً کسی قصد ندارد این عمل را بجا بیاورد، اینجا می‌گوییم این واجب نیست؛ زیرا تحصیل حاصل یک حالت دور دارد یا وقتی می‌گوییم خلاف حکمت تشریع است این در واجب نفسی است، اما در واجب غیری، زمانی که می‌خواهد برای مقدمه، ذی‌المقدمه بیاورد، این ذی‌المقدمه، عللی دارد که یکی از این‌ها آوردن مقدمه است. مانعی ندارد که بگوید وجوب اتیان به این مقدمه مشروط به این است که از ناحیه سایر شرایط مثل اراده و مقتضی و... عزم و اراده‌ای باشد و این تحصیل حاصل نیست اما در خود مکلف به و وجوب نفسی یا در خود مقدمه اگر بخواهد مقدمه را بیاورد نمی‌توانیم بگوییم باید مقدمه را بیاورد، زیرا الزام به انجام امری، مشروط به اراده اتیان خود آن، تحصیل حاصل است. اما این که بگوییم مقدمه را برای ذی‌المقدمه با قطع نظر از جهات دیگر بیاور یعنی عزم و اراده این است که انجام بدهد و می‌گوییم مقدمه را بیاور، این نامعقول نیست، مثل اینکه آدم معصیت‌کاری است یا می‌داند



مانعی برایش پیش می‌آید، اشکالی ندارد که مشروط به آن بشود، بلکه ارتکاز عرفی می‌گوید مشروط به آن است و اگر نخواهد این را بیاورد، دلیلی برای امر به آن نیست.

نکته: این نظر دوم از امور بسیار مسلم نزد مرحوم شیخ و آخوند و محقق عراقی و با کمی تفاوت نزد مرحوم نائینی است، اما مرحوم شهید صدر نمی‌پذیرند و این نظر با این بیان خیلی حرف نامعقولی نیست و جای تأمل دارد. مثلاً اگر بگوییم نماز بر تو واجب است اگر بخواهی بیاوری یعنی اگر نخواهی بیاوری واجب نیست این نامعقول است. درواقع اگر اراده اتیان به مکلف به بخواهد شرط تکلیف بشود لغو است، اما اگر شرط تکلیف به مقدمه اراده اتیان به ذی‌المقدمه بشود وضوحی در لغویش نیست یعنی اگر تصمیم دارید می‌گوییم بیاورید، لذا اشکال مرحوم شهید صدر وارد است. شاید تقریری که ما عرض کردیم در مورد کلام شهید صدر، کمی متفاوت باشد.